

فرهنگ ماکیان‌داری

در روستاهای گیلان

دکتر سیدهاشم موسوی

عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان



سرشناسنامه: موسوی، سید هاشم ۱۳۴۹ -
عنوان و پدیدآور: فرهنگ ماکیان‌داری در روستاهای گیلان / سیدهاشم موسوی.

[به سفارش حوزه هنری گیلان]

مشخصات نشر: رشت، فرهنگ‌ایلیا، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص.

شابک: ۵ - ۵۶۱ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

موضوع: ماکیان -- ایران -- گیلان

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ م ۸ الف ۹ / SF ۴۸۸

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵-۱۷۶۵/۳۳۸

شماره کتاب‌خانه ملی: ۴۹۲۹۹۵۶



فرهنگ ایلیا

- فرهنگ ماکیان‌داری در روستاهای گیلان ● سیدهاشم موسوی
- چاپ نخست: ۱۳۹۷ ● شمارگان: هزار نسخه ● شماره نشر: ۶۷۱
- صفحه‌آرایی: وحید باقری ● نسخه‌پردازی و آماده‌سازی: کارگاه نشر فرهنگ‌ایلیا
- همه‌ی حقوق این کتاب محفوظ است.
- شابک: ۵ - ۵۶۱ - ۱۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
- نشر فرهنگ‌ایلیا؛ رشته خ آزادگان، جنب دبیرستان بهشتی، خ صفایی، خ حاتم، شماره ۴۹
- تلفن: ۳۳۴۴۷۳۳ ۳۳۴۴۷۳۲ ۰۱۳ - ● دورنگار: ۳۳۳۲۱۸۲۸ - ۰۱۳

Email: nashreilia@yahoo.com

www.farhangeilia.ir

فهرست مطالب

۷	یادداشت حوزه هنری گیلان
۹	نشانه‌های آوانگاری
۱۱	درآمد
۱۳	مقدمه و کلیات
۲۵	بخش اول: مبانی نظری و روش‌شناختی
۳۹	بخش دوم: جایگاه مرغ و تخم‌مرغ در جامعه
۱۳۹	بخش سوم: مرغ و تخم‌مرغ در فرهنگ شفاهی عامه
۳۴۱	سخن پایانی
۳۴۹	منابع

رقیب گفت در این درجه می‌کنی هر روز
چه می‌کنم؟ دل گم‌گشته باز می‌جویم

بیست و دو سال پیش، پر فردر کِیستیان برومبِرژه گیلان‌شناس بزرگ که از سرِ مهر به ایران و عشق به گیلان، همواره از گیلان به «بهشت مردم‌شناسی و مردم‌شناسان» یاد می‌کند، در گیلان برد جهاد دانشگاهی گیلان از ایشان دعوتی کرد و من نیز جزء مدعوین بودم، محل جلسه افتد مرکزی دانشگاه گیلان بود. از من خواسته شد تا پرسش‌هایی را با محوریت فرهنگ گیلان (گذشته، حال، آینده) و نیز راه‌های نرفته و... را با ایشان مطرح نمایم. یکی از نکاتی که ایشان در آن روز بیان کردند این بود که باید پژوهشی دربارهٔ مرغ و تخم‌مرغ در گیلان صورت پذیرد.

از آن روز به بعد یکی از دغدغه‌های ذهن من جایگاه عادل در فرهنگ مردم گیلان شد. هر جا می‌رفتم در کلاس درس و دانشگاه، به روستاها و شهرهای دیگر، به هر که می‌رسیدم، به پیرزنان و پیرمردان، به دانشجویانی که از نقاط و اقوام و روستاهای مختلف می‌آمدند از مرغ و تخم‌مرغ می‌پرسیدم، تحقیر می‌شدم، تشویق می‌شدم ولی دست‌بردار نبودم. سخن پروفیسور برومبِرژه آویزهٔ گوش من بود؛ حالا دیگر هفت سال تحصیل در دانشگاه تهران برای لیسانس و فوق‌لیسانس (انسان‌شناسی / مردم‌شناسی) زیر نظر استاد عزیز، فرهیخته و اندیشمند دکتر محمود روح‌الامینی به پایان رسیده بود و من مترصد تأسیس دورهٔ دکترای انسان‌شناسی در ایران بودم.

از سال ۱۳۶۹ و بعد از زلزله ۳۱ خرداد گیلان با پیامدهای ویرانگرش، طرح ایجاد موزه میراث روستایی گیلان دست به دست می‌شد و به انتظار همکاری مسئولان، مجذاته پیگیری می‌شد. پروفیسور برومبژه این بار همراه و همکار مجری پروژه بود و من نیز که سال‌هاست سرباز فعالیت‌ها و اقدامات فرهنگی با محوریت فرهنگ گیلان هستم، همراه و همکار پروژه شدم؛ این پروژه، دانشگاه گیلان و دانشگاه اکسان پرووانس را نیز با هم آشنا کرد. رؤسای آن‌ها تفاهم‌نامه مکان امضاء کردند؛ حاصل این تفاهم یکی هم این شد که برای تحصیل دوره دکترای انسان‌شناسی (مردم‌شناسی) در دانشگاه اکسان پرووانس فرانسه ثبت نام کنم؛ «از بدست نشر دادم و از روزگار هم» موقع انتخاب عنوان پایان‌نامه رسید و من این خاطرات یافته را با پروفیسور کریستیان برومبژه مرور کردم، او استقبال کرد و پذیرفت و من مامور نهی گیلان و پروپوزال شدم.

حالا که پژوهش حاضر را در قالب یک مونوگرافی موضوعی تقدیم اهالی فرهنگ می‌کنم. ممنون همه هستم که مرا نواختند. به دو هم‌ولایتی عزیزم که گشایشگران شایسته این بحث در فرهنگ مردم گیلان بوده‌اند؛ مرحوم زنده‌یاد پاینده لنگرودی و نیز استاد محمد بشرا که در سر دراز باد و پربار، دعا و درود می‌فرستم و نیز استاد اندیشمند دکتر مرتضی فرمادی که دلپسند او در موضوع، روش و دغدغه و... همیشه دلبخواه و الهام‌بخش من بوده است. از عزیزان گرامی در حوزه هنری گیلان و ناشر محترم و جناب فامین مالی هم سپاسگزارم که امکان نشر این اثر را فراهم کردند. حتماً کسانی هستند که نامشان را از سرفراموشی و غفلت در یادداشت در فهرست منابع نیاورده‌ام، از آن‌ها نیز طلب بخشش می‌کنم و خدای مهربان را شاکرم که داننده آرزوها و آرمان‌ها و برآورنده خواسته‌هاست.